



## فردوسی و شاهنامه

### مشخصات نسخه‌های خطی مورد استفاده ما

در شماره‌های پیشین اشاره کردیم که شاهنامه‌ای که اینک در اختیار ما است در طول تاریخ ۱۰۰۰ ساله‌ی خود فراز و نشیب‌هایی داشته است. سرآغاز گفتمان ما اشاره به منابع و مأخذی بود که نشان می‌داد نخستین نسخه‌های دست نویس در چه تاریخ و دوره‌ای استنساخ شده‌اند. از قدیمی‌ترین نسخه‌های دست نویس شروع کردیم و به این جا رسیدیم.

#### «مجله‌ی فردوسی»

آمدن ادبیات عظیم و غنی سده‌های بعدی - برای ظهور سنائی و عطار، و خیام و نظامی، سعدی و حافظ، ملک‌الشعراء بهار و نیما یوشیج و علی‌محمد افغانی و دیگران در پرتو «شاهنامه» ایجاد گردید. خود شاعر با وجود فروتنی و عزت‌نفس و پاکدامنی بی‌نهایت اهمیت رسالت تاریخی خویش را بسیار خوب درک می‌کرد. سخنان وی درباره این‌که:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

تصادفی یا بی‌مورد سروده نشده است.

«شاهنامه» قبل از هر چیز اثر ملی ایران

و ایرانی‌ها است، ولی مخصوصاً

به همین علت، که ابوالقاسم

فردوسی با چنین حد کمال و

ژرف و استادی تجسم هنری در

منظومه آرمان‌های ملی و مردم را

بیان نموده، مقام شایسته‌ای هم

در ردیف بزرگ‌ترین آثار

شاعرانه جهان احراز کرده است.»

«شاهنامه» به طرز

عمیق، صادقانه، ترقی‌خواهانه و

انسان‌دوستانه و مشحون از

خوش‌بینی است. اساس

فناناپذیری و اهمیت جهانی

منظومه مذکور را مخصوصاً باید

در این امر جست‌وجو کرد.»

«ابوالقاسم فردوسی ملت

خود را دوست می‌داشت و

نهانی‌ترین افکار و احساسات و

نسل‌های بعدی تثبیت و تحکیم نماید. فردوسی در ساعت نیک دوران درخشان تاریخ ایران پا به عرصه گذاشت و رسالت عظیم تاریخی انجام داد. وی با اثر پرنیوخ خود پی و اساس ایدئولوژی وحدت و تجزیه‌ناپذیری و تمرکز و استقلال ایران را بنا نهاد. فردوسی زبان فارسی را تا حد کمال منطقی و تا سطح یکی از عظیم‌ترین زبان‌های ادبی و علمی جهان رساند. زبان فارسی مخصوصاً در پرتو «شاهنامه» زبان فرهنگی بسیاری از کانون‌های علم و ادب خاور نزدیک و خاورمیانه شد، زمینه استوار برای به وجود

#### ادامه از شماره قبل

«اما آنچه را که دولت سامانیان و دودمان‌های دیگر نتوانستند انجام بدهند یک نفر - سخن‌سرای بزرگ - فردوسی متولد و ساکن آبادی کوچک نزدیک شهر طوس انجام داد. به طوری که معلوم است برای پیروزی نهضت تاریخی ایجاد هدف آرمانی (ایدئولوژی) مقتضی ضرورت دارد، که به آن جنبه قدسی بدهد و اجتناب‌ناپذیر بودن تاریخی آن نهضت را در اذهان توده‌های مردم عمیقاً تثبیت کند. ملت ایران مدت‌ها قبل از تولد فردوسی ضرورت استقلال ملی را

درک نموده در زیر

پرده یا نقاب شعارهای

گونگون مذهبی و

عرفانی برای کسب

آزادی و استقلال

مبارزه می‌کرد. یک بار

دیگر هم تکرار می‌کنم،

که ظهور یک نابغه مثل

فردوسی لازم بود تا با

منظومه جاودان خود

آرمان اتکا به خویش و

استقلال و آزادی ملی و

ایمان به استعداد ملت

ایران را برای اداره

کردن امور خود و

داشتن سازمان دولتی

خویش در مغز

معاصران خویش و



آرزوها و مقاصد ملت خویش را به شکل عالی هنری در صفحات حماسه خود منعکس ساخته است:

همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که میهن به دشمن دهیم

ولی او هرگز قصد نداشت سعادت ایران را به قیمت بدبختی ملت‌های دیگر به دست آورد، نمی‌خواست آزادی ایران را به قیمت اسارت کشورهای دیگر تحصیل نماید، او آرزو نمی‌کرد رونق و شکفتگی کشور خود را به قیمت رنج و نامرادی‌های سرزمین‌های دیگر تأمین کند. میهن‌پرستی و بشردوستی با عظمت فردوسی در همین نکات نهفته است. شکوه و عظمت شاهنامه هم عبارت است از استادی عالی هنری توأم با آرمانی و ملی و بشر دوستانه بودن آن.

«شکوه و عظمت مفاد منظومه به طور هم‌آهنگ با شکوه و عظمت قالب آن توأم می‌گردد. واقعاً منظومه با عظمت است، بخصوص بدین سبب که اثر یک مؤلف است نه مجموعه مدارک مختلف ملی حماسی و ادبی که گاهی در طول سده‌ها ترکیب می‌یافته و متشکل می‌شده‌اند. اثر فردوسی مخصوصاً به علت همین محاسن فقط مایه مباهات ملی مردمان ایران و تاجیکستان و سایر ملل فارسی زبان نیست. خلاقیت فردوسی گنجینه‌ای است متعلق به تمام نوع بشر. این شاعر بشردوست و حکیم زنده جاوید در کشور ما از مدت‌ها پیش به حق دارای شهرت وسیعی است. مرحوم سعید نفیسی رجل نامدار فرهنگ سده بیستم ایران بیش از یک ربع قرن قبل در روزهای برگزاری هزارمین سال از روز تولد فردوسی بسیار نیکو گفته است: «او، سرودخوان ایران در همه جا است. در هر جا که هومر، ویرژیل، شکسپیر، مولیر، دانته، سروانتس، میلر و لرمونتوف هستند، او در کنار آنان است. هزار سال پیش او در حالی که در گوشه ده خود در اطراف طوس مقیم بود عازم تسخیر جهان گردید. لکن در میان تمام کشورهایی که او از آنها عبور کرده در استقبال‌های با حرارتی که از او شد کشوری هست که در آن جا بهتر از هر جای دیگر اندیشه‌های او را تقریباً به خوبی زادگاه وی فهمیده بودند.» شادروان سعید نفیسی اتحاد شوروی را در نظر داشت و این سخنان منصفانه بود. مدت‌ها است که فردوسی برای تمام ملت‌های کشور ما آشنا و گرامی است. این فرزند با عظمت ملت ایران در عین حال شاعر عالی مقام تاجیکان هم هست که جزو

خانواده برادروار ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هستند. تمام ملت‌های ساکن کشور ما خلاق نابغه تمثال‌های رستم و سهراب و کاوه آهنگر را می‌شناسند و دوست می‌دارند و از خواندن قطعات شورانگیز «شاهنامه» به وجد می‌آیند. محبت و علاقه به فردوسی و خلاقیت طبع وی در کشور ما نمودار درخشان احساسات دوستانه و صمیمی نسبت به همسایه جنوبی ما - ملت ایران است که سهم غیرقابل تقویم و تکرارنشده‌ای در گنجینه تمدن جهان دارد.»

آغاز بررسی

و مطالعه «شاهنامه»

در کشور ما به سده گذشته می‌رسد. خیلی پیش از انقلاب اکتبر در روسیه یک سلسله آثار وجود داشت که به فردوسی اختصاص یافته بود. در حال حاضر بسیاری از آن‌ها فقط از لحاظ تاریخ علوم جالب توجه است. در این جا می‌توان از کتاب «ابوالقاسم طوسی خالق کتاب شاهان تحت عنوان شاهنامه اثر نازاریانتس (مسکو، سال ۱۸۵۱) و تحقیقی از زمینوویف تحت عنوان «نقل‌های حماسی ایران» (پترزبورگ سال ۱۸۵۵) و ترجمه‌های فصولی از شاهنامه، توسط و آ . ژوکوفسکی شاعر معروف روس در سال ۱۸۴۹ نام برد. در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ ترجمه قطعاتی از «شاهنامه» به زبان روسی که آ . ی . کریمسکی و ای . ای . ساکالوف کرده‌اند و فصول اقتباسی از آثار دیگران که به فردوسی اختصاص یافته است در کتاب «تاریخ ایران، ادبیات آن و تصوف درویشی» نگاشته آ . ی . کریمسکی و همچنین مقالات بالنسبه کوچک ولی از لحاظ علمی مهم و . ر . روزن آ . روزنبرگ درباره منابع و ترکیب آن منظومه انتشار یافت.

مرحله جدیدی در بررسی خلاقیت طبع فردوسی پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز گردید. در سال ۱۹۳۴



صفحه ۳۵

چشن هزاره فردوسی به مقیاس بین‌المللی برگزار شد. شاهنامه همزمان با ترجمه به زبان روسی به



زبان‌های سایر ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - به آذربایجانی، ارمنی، گرجی، اوکرائینی، ازبکی و غیره ترجمه شد. حتی در سال ۱۹۲۸ اولین نشریه قطعات «شاهنامه» با حروف لاتینی و در سال ۱۹۴۰ جزوه قابل توجه صدرالدین عینی «درباره فردوسی و شاهنامه وی» منتشر گردید. هجوم فاشیست‌ها تحقق یافتن برنامه بررسی آن منظومه را چه در مسکو و چه در لنینگراد و پایتخت‌های دیگر جمهوری‌های اتحاد شوروی قطع نمود.

تحقق و بررسی واقعی جامع و همه‌جانبی و کار با عظمت ترمیم و تجدید متن آن از سال ۱۹۵۰ به بعد شروع شد. در سال ۱۹۵۰ بنا به پیشنهاد ایران‌شناس معروف شوروی شادروان پرفسور ای . برتلس کمیسیون مخصوصی از بزرگ‌ترین ایران‌شناسان شوروی برای تهیه متن انتقادی و علمی کامل «شاهنامه» در مسکو تشکیل یافت. متن شاهنامه هم مانند هر یادگار دیگر ادبیات کلاسیک در طول هزار سال دچار تغییرات و تصرفات و اضافات گوناگون شده است (۱).

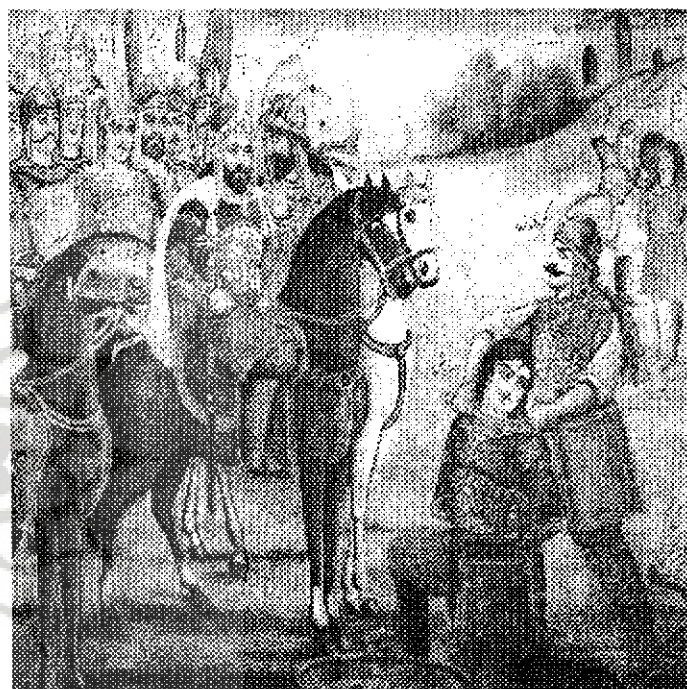
تمام شقوق و اختلاف‌هایی که در قرائت وجود داشتند و رد شده بودند با دقت در زیرنویس‌های متن تثبیت شدند. بعد از



بیست سال زحمت و کار  
طاقت فرسای دانشمندان  
ایران شناس مقل کامل  
«شاهنامه» در نه جلد

انتشار یافت.

مذاکره و بحث دقیق و تقریظ‌های بی‌شماری که بزرگ‌ترین ایران‌شناسان جهان منتشر نموده‌اند نشان داد که متن تهیه شده به وسیله دانشمندان شوروی موثوق‌ترین متن‌ها و نزدیک به نسخه اصلی مؤلف این حماسه است. لیکن چنان‌که همان مذاکرات و بحث‌ها و تقریظ‌ها نشان دادند متأسفانه در دو جلد اول



برخی اشتباهات راه یافته، بسیاری از قسمت‌های اصیل متن در حاشیه قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن در سال‌های اخیر دو نسخه قدیمی دیگر کشف گردیده که در اوایل سده هفتم استنساخ شده است.

ما ضروری دانستیم از آن نسخه‌ها هم در کار بهره بگیریم و نواقصی را که در چاپ اول هست رفع نمائیم. تهیه متن منقح جدید «شاهنامه» در عهده من و دکتر محمد نوری عثمانوف گزارده شد و تصمیم اتخاذ شد در چهارچوب همکاری ایران و شوروی متن جدید «شاهنامه» در ایران تحت سرپرستی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کتابخانه پهلوی انتشار یابد. هم‌اکنون جلد اول چاپ تازه «شاهنامه» به اختیار خوانندگان گزارده می‌شود دانشمندان شوروی آن را اختصاص می‌دهند به جشن دو هزار و

پانصدمین سال ایران، به جشن فرهنگ عظیم و ادبیات و تاریخ و هنر ایران. ما تصور می‌کنیم که مشکل بتوان به این جشن با عظمت چیزی گران‌بهارتر از متن کامل جامع علمی و انتقادی منظومه‌ای که مایه مباحثات و سرافرازی ایران و بزرگ‌ترین شاهکار ادبیات جهان است هدیه داد.

\* \* \*

برای تصحیح و تهیه جلد اول چاپ مسکو از چهار نسخه‌ی خطی متن شاهنامه و ترجمه عربی این اثر استفاده شده بود. این نسخه‌ها و ترجمه عربی عبارت بودند از:

۱) نسخه خطی

موزه بریتانیا که در سال ۶۷۵ هجری استنساخ شده و از کلیه نسخ خطی که تا بحال معلوم و معروف است قدیمی‌تر و بهترین نسخه موجود است (این نسخه در چاپ اول با علامت ۸ نمایانده شده بود).

۲) نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۲ هجری کتابت شده و از لحاظ قدمت دومین نسخه بود. (این نسخه

با علامت شرطی I نشان داده شده بود).

۳) نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری کتابت شده ولی حاوی «مقدمه قدیم» شاهنامه است و بنابراین از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر که متن آن با متن نسخه سال ۷۳۲ بسیار نزدیک بوده است، استنساخ گردیده (برای این نسخه علامت شرطی IV به کار برده شده بود).

۴) نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که بدون تاریخ است، ولی به حسب شیوه کتابت جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورها می‌توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری رونویسی شده است. این نسخه دارای اشتباهات و اغلاط زیاد است، ولی چنان‌که از «مقدمه قدیم» و بعضی قرائت استنباط می‌شود از روی یک

نسخه خیلی قدیم کتابت شده است. متأسفانه کاتب نسخه کم حوصله و یا کم سواد بوده است. در بسیاری از موارد، یا باصطلاح اصح در قسمت‌هایی که با دقت نوشته شده است. متن به متن نسخه موزه بریتانیا خیلی نزدیک است (این نسخه تحت علامت شرطی VI به کار برده شده بود) غیر از این چهار نسخ خطی که چاپ اول جلد حاضر بر پایه آنان تهیه و تصحیح شده بود ترجمه عربی شاهنامه نیز که در سال‌های ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی البنداری الاصفهانی انجام یافته است مورد استفاده و مقابله ترتیب‌دهندگان قرار گرفته بود.

طبق اصول و سبک محرر - دانشمند عالی مقام شادروان ی. برتلس هیچ یک از نسخ مورد استفاده نمی‌توانست پایه متن چاپ اول قرار گیرد. «بدین جهت برای ترتیب دهندگان متن لازم می‌آمد که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه اختلافات و تعاون‌های آن‌ها انتخاب نموده نسخه بدل‌ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعداً درباره متن شاهنامه تتبع می‌نمایند امکان آن (را) داشته باشند که کلیه جزئیات کار ما را مورد بازرسی قرار داده از روی قرائن و دلائل علمی بهترین و صحیح‌ترین واریانت را انتخاب کنند. محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب و تهیه این متن با کمال احتیاط به کار برده شده است. زیرا نباید فراموش کنیم که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش می‌کنیم تا به حد مقدور بدان نزدیک‌تر شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط می‌توان از متن اصلی شاهنامه به دست آورد. بنابراین اگر ما اکنون سخن و سبک و شیوه بیان فردوسی را عامل مشخص بدانیم و بخواهیم به وسیله آنان طریق ترتیب و تصحیح متن را معین سازیم دچار اشتباه منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا به عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلوم دیگری خواهد بود و همانا به همین جهت فرهنگ ف. ولف که بر پایه چاپ‌های مول و ماکان، یعنی متون درهم آمیخته و بر اساس نسخه‌های خطی قرون مختلف قرار گرفته نیز در تصحیح و تهیه متن با کمال احتیاط به کار برده شده بوده است. بدین شکل متن شاهنامه چاپ اول مسکو به طور کلی متنی بود که به سبک ترجیحی از روی چهار نسخه قرن هفتم و هشتم انتخاب و



شماره ۳۷

کتابت شده است، پایه متن را تشکیل داده است. غیر از نسخه‌هایی که سابقاً از آن‌ها ذکر شده است، سه نسخه قدیمی و معتبر دیگر که در چاپ اول در دسترس ما نبود، برای تصحیح متن حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی از این نسخه‌ها در اسلامبول و دو نسخه دیگر در دارالکتب شهر قاهره نگهداری می‌شوند.

نسخه اول قاهره در سال ۷۱۰ و نسخه دیگر در سال ۷۹۶ هجری کتابت شده است.

نسخه دوم قاهره که در سال ۷۹۶ استنساخ گردیده است، از لحاظ صحت متن به نسخه لندن خیلی نزدیکتر و معتبر است و ما عکس آن را در سال ۱۹۵۹ از قاهره به مسکو آورده و در تصحیح جلد‌های ۴-۹ مورد استفاده قرار دادیم.

نسخه اسلامبول در سال ۷۳۱ نوشته شده و دارای متن کامل و نسبتاً صحیح و نزدیک به نسخه شاهنامه کتابخانه عمومی لنینگراد می‌باشد.

نسخه خطی قاهره سال ۷۱۰ که پس از نسخه موزه بریتانیا قدیمی‌تر از کلیه نسخه‌های موجود و مشهور می‌باشد، از روی یک نسخه خیلی کهن و خوب نوشته شده است ولی متأسفانه کاتبش هنگام استنساخ خیلی عجله و سهل‌انگاری به خرج داده است.

بدین ترتیب جلد حاضر شاهنامه بر پایه هفت نسخه‌ای یعنی قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی موجود شاهنامه و ترجمه عربی آن ترتیب و تصحیح شده است که سه جلد از آن‌ها در چاپ‌های قبلی و چاپ اول مسکو مورد استفاده قرار نگرفته بود.

نسخ خطی مورد استقاه با علامت‌های شرطی زیرین به کار برده شده‌اند:

(۱) نسخه خطی موزه بریتانیا به تاریخ ۶۷۵ - با علامت شرطی - I

(۲) نسخه خطی کتابخانه دارالکتب قاهره به سال ۷۱۰ با علامت شرطی - ب

(۳) نسخه خطی اسلامبول به سال ۷۳۱ با علامت شرطی - ج

(۴) نسخه خطی کتابخانه لنینگراد به سال ۷۳۲ با علامت شرطی - د

(۵) نسخه خطی دوم کتابخانه دارالکتب قاهره به سال ۷۸۹ با علامت شرطی - ر

گوزلیان، به جز داستان منوچهر از بیت ۱ بیت ۱۲۵۰ که توسط او، اسمیرنوا تهیه شده بود به توسط آندره برتلس مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت. تعداد زیادی از بیت‌ها و قسمت‌های اصلی شاهنامه که هنگام تصحیح در نتیجه شیوه مخصوص مصححین از متن اصلی به حساب نیامده بود، به وسیله آندره برتلس در ملحقات ثبت شد.

با این همه جلد‌های اول و دوم شاهنامه چاپ اول نواقص و کمبودهای زیاد داشت. اول کار بود

مصححین شیوه‌های مخصوص داشتند، ارزش نسخه موزه بریتانیا چنان‌که شاید و باید معلوم نشده بود و سه نسخه قدیمی دیگر که در چاپ حاضر مورد استفاده قرار گرفته است در دسترس ما نبود. این است که پس از اتمام چاپ مسکو کمیسیون تهیه و تصحیح متن انتقادی شاهنامه بریاست

آکادمیسین باباجان غفوروف، دانشمند نامی اتحاد جماهیر شوروی و یکی از بزرگ‌ترین مبلغین و علاقه‌مندان فردوسی، اتخاذ تصمیم گرفت که متن کامل شاهنامه از نو تهیه و چاپ شود تهیه و تصحیح متن این چاپ بعهد من و ایران‌شناس معروف کشور ما دکتر محمد نوری عثمانوف تحت نظر شادروان عبدالحسین نوشین تهیه و چاپ شد. جلد نهم و قسمت‌های معین جلد اول و دوم و چهارم توسط آندره برتلس فرزند شادروان ی. برتلس منتشر گردید.

تصحیح متن این جلد مطابق شیوه‌ای که برای ترتیب جلد‌های ۴-۹ چاپ مسکو به کار برده شده بود انجام گرفته است - یعنی نسخه موزه بریتانیای لندن که قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه شاهنامه می‌باشد و شاید از روی نسخه اصلی

تهیه شده بود. بی‌شک متن چاپ اول جلد حاضر از متن‌های درهم آمیخته چاپ‌های موجود نسخ قرون پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداخته خامه فردوسی است، نزدیک‌تر بود.

شادروان استاد ی. برتلس در سال ۱۹۵۷ وفات کرد و بعد از درگذشت او نظارت چاپ شاهنامه بعهده مرحوم عبدالحسین نوشین گذارده شد و باید متذکر شوم که مدت بیست سال ایشان برای تهیه و تصحیح نه



جلد شاهنامه چاپ مسکو همپایه مصححین و ترتیب‌دهندگان زحمت فراوان کشیدند. همکاری شادروان نوشن با مصححین متن به کار تهیه و ترتیب متن انتقادی شاهنامه کمک فراوان و یاری برجسته کرد.

در آغاز کار تمام متن این مجلد بر اساس نسخه‌های خطی I, IV, VI و ترجمه بنداری توسط ل. گوزلیان ترتیب یافته بود. ولی چون بعداً شیوه تصحیح متن تغییر یافت تصمیم چنین شد که نسخه بدل‌ها کاملاً ذکر گردد، و هیچ‌گونه ذوق و سلیقه شخصی برای تشخیص متن اصلی شاهنامه ملاک و معیار نباشد و کلیه ابیاتی که در نسخه‌ها وجود دارند ولی مشکوک یا از ملحقات به نظر می‌رسند در متن بین دو هلال و یا در آخر متن در ملحقات ثبت شوند. بدین ملاحظه متن ترتیب یافته جلد حاضر به وسیله



۶) نسخه خطی کتابخانه  
انستیتوی خاورشناسی  
فرهنگستان علوم شوروی به  
تاریخ ۸۴۹ با علامت شرطی -

س

۷) نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی  
فرهنگستان علوم شوروی که در نیمه اول  
قرن نهم کتابت شده است، با علامت شرطی -

ص

۸) ترجمه عربی شاهنامه که توسط الفتح ابن  
علی البنداری که در سالهای ۶۱۵ - ۶۲۴  
انجام شده است، با علامت شرطی - ع

در خاتمه بار دیگر یادآور می‌شوم که  
اساس متن حاضر شاهنامه نسخه لندن قرار  
گرفته و تمام اختلافات نسخه بدل‌ها و  
رونویس‌های مورد استفاده در پاورقی‌ها ثبت  
و قید شده است که اگر در ترتیب متن حاضر  
مصححین اشتباه و اغلاطی مشاهده شود  
خواننده مطلع‌تر امکان تصحیح آن را بر پایه  
نسخه بدل‌ها داشته باشد.

ترتیب‌دهندگان مدعی نیستند که چاپ  
حاضر شاهنامه دارای متنی است که از زیر  
قلم خود مؤلف درآمده است، اما گمان دارند  
که متن اصلی این شاهکار بزرگ و دایمانه  
فردوسی در حدود متن و نسخه بدل‌های آن  
که در پاورقی‌ها ثبت شده‌اند بوده است.  
متن این مجلد از آغاز نامه تا آخر  
داستان فریدون به وسیله من و متن داستان

منوچهر به وسیله دکتر محمد نوری عثمانوف  
تهیه شده است.

پرفسور رستم موسی اغلی علی‌یف  
تهران، آذرماه ۱۳۵۰

## سیمای شاهنامه در تاریخ و ادبیات گیتی

به راستی!

**چه اتفاقی پیش می‌آید، اگر**  
دولت‌مردان مزدم‌سالار و خردپور  
ایران‌زمین! از ۱۰۰۰ سال قبل به این سو یک  
هفته از سال را به نام شیرمردی از تبار  
دانشمندان و بخردان و فرهیخته‌گان و  
دانیان این سرزمین نام‌گذاری می‌کردند؟ به  
نام مردی که با خرد و اندیشه‌ی سترگ خود  
سرزمینمان را از سلطه‌ی فکری و فرهنگی، و  
زبان‌مان را از اسارت زبان‌های بیگانه نجات  
داد و باعث سرافرازی ملت‌ی شد که در حال  
سقوط کامل و حل شدن در فکر و فرهنگ و  
زبان بیگانه بود!

**چه اتفاقی پیش می‌آید، اگر با**  
برنامه‌هایی از پیش طراحی شده،  
شاهنامه‌شناسان بزرگ جهان در این هفته به  
سرزمین فردوسی دعوت می‌شدند و در  
همایش‌های فرهنگی کارهای تازه خود را  
درباره شاهنامه ارایه می‌کردند!

**چه اتفاقی پیش می‌آید، اگر در هفته‌ی**

### بخش ادبیات (فردوسی و شاهنامه ...)

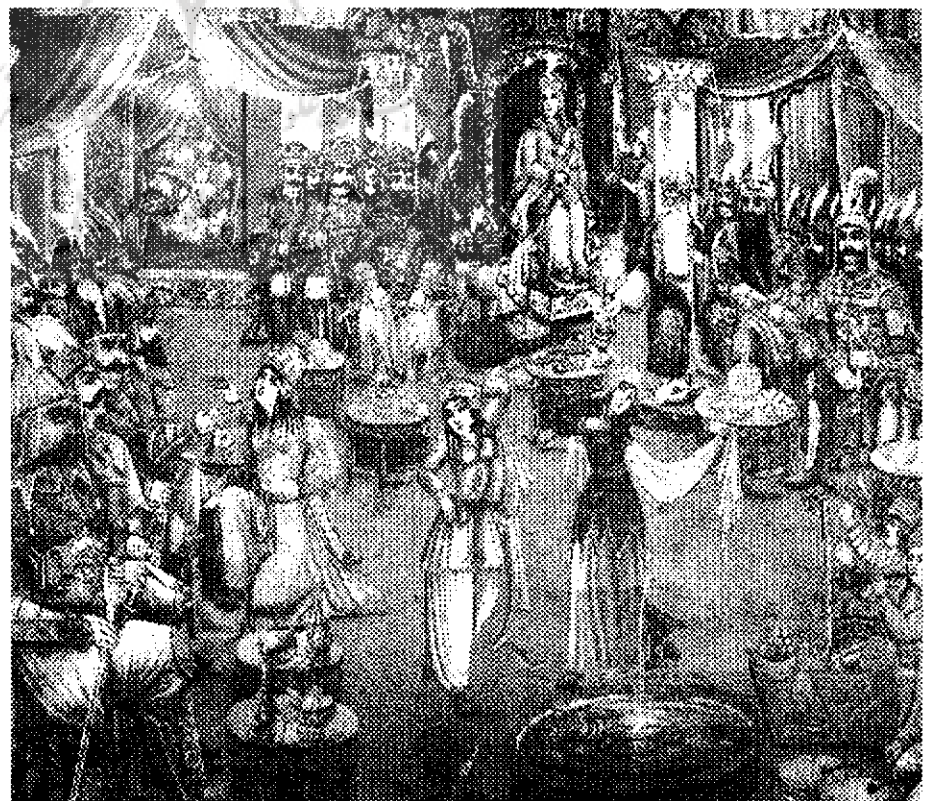
«فردوسی» یک روز تعطیل رسمی اعلام  
می‌شد و به پاس خدمت بی‌مانندش به  
سرزمینمان و برای ارج نهادن به آستان  
مقدس دیگر خردورزان این مرز و بوم،  
سفرهایی گردشی و علمی برای رفتن  
علاقه‌مندان به سرزمین توس و روستای باژ  
و ادای احترام به آرام‌گاه این بزرگ‌مرد فرزانه  
فراهم می‌آوردیم تا فرزندان بشری به  
گذشته‌ها، با افتخاز بیشتری نظر کنند؟

**چه اتفاقی پیش می‌آید!** اگر به جای  
این همه ریخت و پاش‌های بی‌حساب و کتاب،  
با اختصاص فقط ۱۰۰۰۰ از بودجه‌ی عملیات  
بانکی سراسر کشور که از جیب همین ملت  
پرداخت می‌گردد، هزینه‌های این هفته‌ی  
فرهنگی تأمین می‌شد و جایزه‌ای با پشتوانه‌ی  
مالی بسیار گران‌قیمت برای بهترین اثر علمی،  
فرهنگی، ادبی یا هنری در سطحی جهانی  
در نظر گرفته می‌شد و به برنده آن تقدیم  
می‌گردید؟

**چه اتفاقی پیش می‌آید!** اگر هفته‌ای  
فقط یک ساعت از درس دانش‌آموزان و  
دانشجویان و دانشگاهیان ما اختصاص  
می‌یافت به درک مفاهیم و متن شاهنامه و  
تحلیل و تفسیر نکات آموزنده آن؟

**به حقیقت و از روی انصاف داوری**  
کنیم، دانش‌پژوهان و خردورزان گران‌قدر  
سایر رشته‌های علمی نه، اما چند تن از  
استادان ارجمند و بزرگواران ادبیات ما برای  
سرگرمی، تفریح یا انجام وظیفه به راستی  
تمام شاهنامه را خوانده‌اند و تفسیری از آن  
بر جای گذاشته‌اند تا ما شاگردان آن‌ها از  
میراث گران‌قدر فرهنگی آن‌ها بهره‌مند شویم؟  
حاشا از شمارش انگشتان دست!؟

**و اما، پیش‌تر نیز در یکی از کتاب‌ها**  
اشاره کرده بودیم که در یک ملاقات اتفاقی در  
کتابخانه‌ی ملی قاهره در مصر و در محضر  
یکی از استادان شاهنامه‌شناس مصری به نام  
ابوبکر محمد الفارس، که هم در دانشگاه قاهره  
درس می‌داد و هم در دانشگاه الازهر درس  
می‌خواند بحثی بر سر تمدن‌های مصر،  
هند، ایران و یونان و چگونگی سقوط برخی از  
این تمدن‌ها و به ویژه مغلوب شدن خط و  
زبان و فرهنگ ۶۰۰۰ ساله‌ی مصر در یورش  
عرب‌ها آغاز شد! بسیاری از حاضران علت  
این سقوط را، کم‌کاری، بی‌توجهی و عدم  
علاقه‌مندی مصریان از پاسداری و ماندگاری  
زبان و فرهنگ خود عنوان می‌کردند و عامه‌ی  
مردم و به ویژه دانشمندان و خردمندان زمانه



را عامل سقوط زبان و فرهنگ دیرپای مصر در حمله‌ی عرب‌ها می‌دانستند.

شگفت این که، استاد مصری حاضر در جلسه با سنگینی کلامش و آن‌گونه که دیگران را تحت تأثیر سخنانش قرار دهد، آشکارا اعلام کرد که سقوط زبان و فرهنگ مصر و حل شدن آن در فرهنگ و زبان عربی به این علت بود که:

«ما ایرمرد فرزانه‌ای مانند فردوسی را در سرزمین خود نداشتیم تا رهایی بخش زبان و فرهنگ دیرپای مصر باشد.»

آیا به راستی این کلام، زیبا نیست؟ سرزمین مصر با فاصله‌ای به طول و عرض یک دریای بزرگ به نام دریای سرخ با سرزمین حجاز، مغلوب فرهنگ و زبان عرب‌ها می‌شود و ایران با کم‌ترین فاصله با سرزمین حجاز و هم مرز با عرب‌ها، فرهنگ و زبان خود را پس از یک یورش بی‌امان ۴۰۰ ساله بازمی‌یابد. عامل نجات این زبان و پاسداری از هویت ملی این سرزمین چه کسی بوده است؟ فردوسی را گرامی بداریم که به راستی فرزند اهورا است و مهر اهورایی او را به این سرزمین پیوند داده است.

جای بسی تأسف است که در سرزمین دانایان و اندیشمندان و شعر و شاعری، در قیاسی نسبی با آن چه که در سرتاسر گیتی انجام شده است، هیچ خردمند و فرهیخته‌ای آن چنان که باید و شاید به شخصیت حکیمانه، اندیشمند، قانون‌مدار و مردم‌سالار خداوندگار علم و ادب، حکیم فردوسی و کتاب شگفت‌انگیزش توجهی نکرده و در کنار آن، هیچ سازمان و گروه رسمی و دولتی و سازمان‌های بزرگ آموزشی و نگاه‌های رسانه‌ای دولتی اقدامی مفید و شایسته در پاسداری از اندیشه‌های حکیم والاگهرمان انجام نداده‌اند.

۱- چنان‌که معلوم است، اولین متون کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته به توسط ت. ماکان و ژ. مول انتشار یافته و در زمان انتشار از موفقیت‌های مهم به شمار می‌آیند، پاره‌ای از خواست‌های اساسی متن انتقادی علمی را برآورده نمی‌ساختند. نه مول و نه ماکان در مقدمه‌های متن‌های انتقادی خود صراحتاً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده، کدام متن‌های را مرجح دانسته و کدام شیوه انتقاد متن را به کار برده‌اند. هر دو ناشر، آن قدر که معلوم است، شماره زیادی از نسخه‌های نه چندان قدیمی

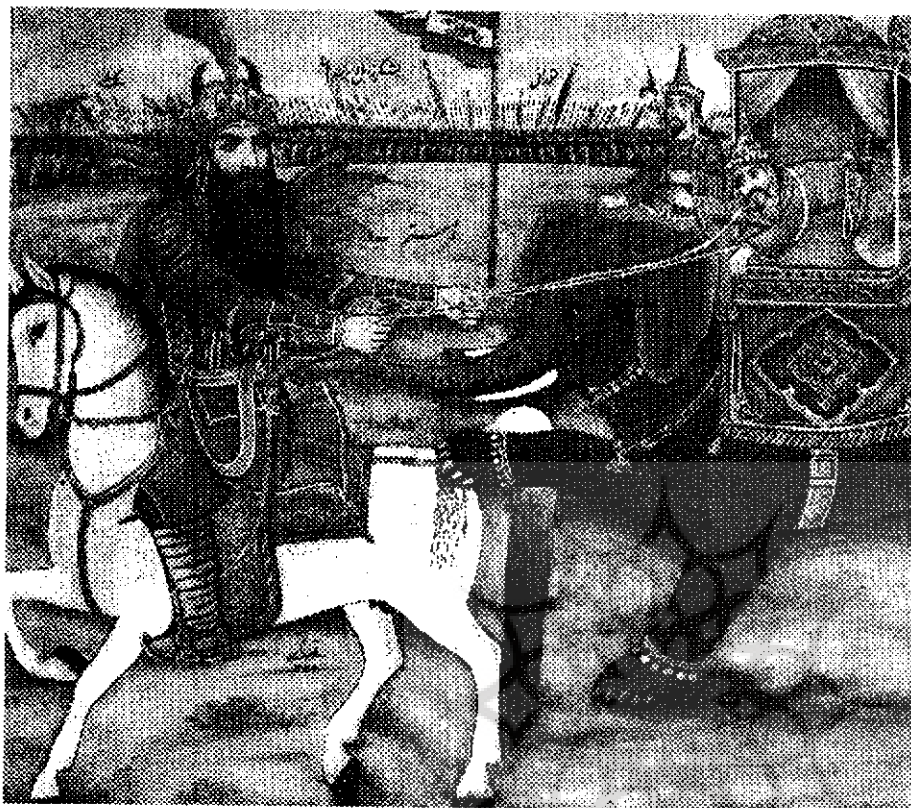
شاهنامه را گرفته، آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نموده و متن اصلی را نسبتاً خودسرانه انتخاب نموده و واریانتهای نسخه‌های دیگر را ابدأ ذکر نکرده‌اند. بدین شکل متن‌هایی به دست آمده است که قرائت آن‌ها آسان ولی رابطه‌شان با متن اصلی اثر فردوسی نامعلوم است.



صفحه ۳۹

بهترین نسخ باشد، تذکر داده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه

راه دیگری که با راه متقدمین تفاوت دارد در پیش گرفت. استفاده از چاپ‌های قبلی که بر پایه نسخ



خطی نامعلوم و بدون ذکر تاریخ قرار دارند (بجز در موارد استثنائی) بدون فایده تشخیصی داده شد. همچنین رجوع به شماره زیادی از نسخ خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اضافات و تحریفات زیادند نیز غیر مفید به نظر رسید. در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی‌ترین نسخه‌ها که تقریباً هم‌زمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد.

«ادامه در شماره آینده»

در اواخر قرن گذشته، اولرُس چاپ دیگری از شاهنامه منتشر ساخت. اولرُس چاپ‌های مول و ماکان را با هم مقایسه نموده، متن خود را بر پایه این دو چاپ قرار داد و تفاوت آن‌ها را با دقت در پاورقی ذکر نمود. علاوه بر آن‌که چاپ اولرُس به واسطه فوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده‌ای را که بر عهده علم است، یعنی رجوع به قدیمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی و همچنین معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه بدل‌ها، حل ننمود.

هنگام جشن هزاره فردوسی چاپ‌خانه «بروخیم» متن ناتمام اولرُس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیه آن را، که اولرُس و شاگردش لاندلاور بدان توفیق نیافته بودند، بعهدہ سعید نفیسی گذاشت (ما این چاپ را با علامت شرطی T می‌نامیم). متن شاهنامه چاپ‌خانه «خاور» که به مناسبت جشن هزاره فردوسی انتشار یافته و همچنین چاپ دبیر سیاقی که در این اواخر منتشر می‌گردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن‌های مول و ماکان قرار دارند.

دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت و پراهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی‌ترین و